



نظری بتاریخ گذشته عیلام

از تاریخ عیلام، تا پنجاه سال قبل، اطلاعی در دست نبود و فقط اسمی از آن در توره و بعضی کتب دیگر دیده میشد. لیکن حفاریات شوش اخیراً روشنائی زیادی بگذشته‌های این مملکت افکند و تاریخ آنرا، تا سه هزار سال قبل از میلاد مسیح، محقق کرد. در عهد قدیمه، عیلام املاق میشد بولایات خوزستان - لرستان - پشتکوه - کوه‌های بختیاری. حدود این مملکت، بطوریکه بعضی از محققین معلوم کرده‌اند، از طرف مغرب دجله و از سمت مشرق فارس و از سمت شمال راهی که از بابل بهمدان میرفت و از سمت جنوب خلیج فارس تا بندر بوشهر (ریشهر قدیم) بوده است.

از لحاظ معرفت الارض، خوزستان را میتوان امتداد جلگه بین‌النهرین دانست که رسوب رودخانه‌های دجله و فرات از طرفی و کرخه و کارون از طرف دیگر، این سرزمین را تشکیل داده است. اطراف این زمین از زمان قدیم مردابهای بسیار بوده است. خلیج فارس نیز در خاک خوزستان بسیار جلو آمده چنانکه شوش امروزی تقریباً صد کیلومتر از دریا فاصله داشته است. زمینهای قابل سکونت که بنوعی طبیعی از این زمین جدا شده بود تشکیل کشورهای متنوع داده است. بنابراین ۵۵ هزار سال در دوره‌های نخستین کاترمر ۲، زمینهای شوش مسکون نبوده است و تمدن قدیمی را میتوان در زمینهای شوش بعد جستجو نمود. این تمدن، ادوار قدیمی و تاریخی این سرزمین را معین میکند و علت آنهمه بررسی و کاوش در يك محل تاریخی اینست که ویرانه‌های شوش شامل ۵۵ هکتار شهر قدیمی و ۴۰۰ هکتار شهر جدید است. قطر

* آقای دکتر بهمن کریمی از باستان‌شناسان پژوهنده، رئیس سابق اداره باستان‌شناسی.

زمینهایی که باید کاوش شود در شهر قدیمی از ۱۲ تا ۱۵ متر و در شهر جدید از ۴ تا ۱۰ متر است .

اهمیت این نقطه اینست که بنای آن ظاهراً به ۳۸۰۰ سال قبل از میلاد مربوط بوده و تا قرن دوازدهم میلادی آبادی داشته است و بعبارۀ آخری تاریخ آنسرا باید در ظرف مدت ۵۰۰۰ سال تعیین نمود.

ظهور قدیمترین تمدن و تجلی آن درشوش از ظروف سفالی كوچك و بزرگ ظریف و نقش‌دار آشکار است که بایک طرز خاص و اسلوب مخصوص روی آن نقاشی کرده‌اند . این ظروف که بشوش اول مشهور است در زیر تل بزرگ شهر ، در مکانهای مجزا از یکدیگر ، بمقدار زیاد بدست آمده‌است . در ابتدای حفاری ، یعنی در سنوات ۱۸۹۷ - ۱۸۹۸ میلادی ، از این ظروف کم بدست می‌آمد ولی در سنوات ۱۹۰۶ - ۱۹۰۷ - ۱۹۰۸ - ۱۹۰۹ - ۱۹۱۰ میلادی ، در قبرستانهای وسیع شوش ، مقداری زیاد از این ظروف ، قریب دو هزار ظرف ، کشف گردید که بعلمای این علم اجازه داد راجع بشکل‌های اصلی نقاشی‌ها و تزئینات ظروف مزبور که افتخار این دوره بوده است مطالعه دقیق و بررسی کامل بعمل آورند . این ظروف و تصاویر که نماینده سلیقه و ذوق صنعتگران میباشد غالباً یک خط معنایی زیاد در بردارد و بایک قلم ، زندگی و شکل و حرکت حیوانی نشان داده شده است . بسیاری از اشکال هندسی همین تصاویر است که بمرور زمان و در نتیجه نمو و ترقی بدین شکل در آمده است . آقای دکتر گنتنوی^۳ ، عالم معروف باستانشناس و ایران شناس ، در فصلی تحت عنوان «صنعت سفال نخستین در کتاب بزرگ صنایع ایران» عقیده دارد که اشکال هندسی که در روی سفال مشاهده میشود هر یک معانی مخصوصی دارد : مثلاً خطوط موازی منکسر که دایره یا مستطیلی محاط است و یا اینکه ساده است ، مقداری آب را نشان میدهد . مثلی که درون شکل شطرنج رسم شده نماینده کوه است . سطحی که خطوط مایل روی آن رسم شده نشانه زمین زراعتی است . بعبارۀ آخری ، این اشکال نوعی از خطوط تصویری است و میتوان گفت قبل از آنکه خط حقیقی پیدا شده باشد ، اشکال و نقوش روی سفال ، کتب نخستین ایران را تشکیل میدهد .

در این قبور ، در کنار ظروف ، اشیاء و زینت آلات مردانه و زنانه دیگری بدست آورده‌اند که بهمین عهد متعلق بوده است . زیرا این اشیاء با همین ظروف را در قبور میگذاشتند . این اشیاء عبارت بود از تبر مسی - سرعصای سنگی - آینه مسی - گردن بند - دست بند مروارید عقبی - صدف سیاه و سفید - مهره‌ها و آلات و ادوات و صورتهای گلی حیوان و انسان .^۴ این صنعت و ظرافت بمانشان میدهد که مردمان قبل از تاریخ نیز دارای تمدنی بس عالی بوده‌اند .

اماد در خصوص مسکن و وطن عیلامیها نمیتوان تحقیقاً معین کرد درجه قسمت و کدام مکان شوش بوده است. هر کس بنوعی اسم میبرد.

اهالی شوش، مملکت خود را اتران سوسونگامی نامیدند یعنی آنزان و شوش. اما کلمه عیلام که بمعنای کوه یا کوهستان است بآن قسمتی از خوزستان اطلاق میشد که کوهستان بود. بادقت کامل در اشیاء و ظروف، چنین حدس زده میشود که باید مهد تمدن نخستین را در کوههای این مملکت، نزدیک شمال، جستجو نمود.

اسم کنونی این شهر شوش و ظاهر آ اسم قدیمی آن هم چنین بوده است و چون یونانیان حرف (ش) نداشته اند آنرا (سو) نوشته اند. رومیان هم به پیروی از یونانیان این شهر را (سوز) خوانده اند و همین امر باعث شده که امروزه اروپائیان این شهر را (سوز) میگویند.

عامای آثار باستان، شوش اول را بچندین دوره قسمت کرده اند که آنرا شوش «الف» شوش «ب» - شوش «ج» - شوش «د» معرفی میکنند. البته اشیائی که در هر طبقه از شوش اول بدست میآید با هم کمی فرق دارد. شوش دوم - یا تمدن جدید شوش اول - از تمدن قدیمی آن ابتدائی تر بنظر میرسد. چه ظروف این دوره خشن تر و بی دوام تر است و آن زیبایی شوش اول را دار نیست هم از لحاظ نقش و هم از لحاظ خصائص دیگر. ولی نقشها تقلید از طبیعت است و از همین قسم ظروف شوش دوم در کلبه هم یافته شده است. میان این دوره از تمدن، یک دوره برزخ دیده میشود. چه ظروف شوش اول قبل از تاریخ و ظروف شوش دوم در دوره تاریخ و ظروفی که در طبقه حد فاصل این دو طبقه دیده شده بدوره حد فاصل معروف است ۵. زمان شوش دوم بسیار طول کشید و تصور می رود که پس از اولین حمله آلهها نیز ادامه داشته است. در این دوره، اشیاء شوش عبارتست از مهره های مسطح - استوانه ها - ظروف مجسمه های کوچک - نقش برجسته روی سنگ مرمر و غیره. این لوحها قدیمترین نوشته هائی است که از عیلامیها بدست آمده و تا ۲۵۰۰ قبل از میلاد استعمال میشده است. راجع بزبان عیلامی اطلاعات کلی در دست نیست ولی بعضی از علما بر آنند که زبان عیلامیها زبان ملتصق بود^۶ مانند زبان اورال و آلتائی. ولی باید این نکته را در نظر گرفت که چون این مملکت بدست اقوامی چند افتاده، زبانهای مختلفی در مدت قرون متعدد معمول گردید، بعلاوه در کتیبه های عیلامی، لغات عیلامی کم دیده شده و بیشتر لغات سومری و سامی است زیرا، چنانکه گفته شد، عیلامیها، بملتی زیاد، تحت نفوذ و حکمفرمائی سومریها و مردمانی بنام سامی بوده اند. بهر صورت نمی توان گفت که عیلام بکلی مستقل بوده و در تحت تبعیت پادشاهان سومر و اکد نبوده چه اول کسیکه با عیلامیها جنگیده این ناتوم اول^۷ بانی معروف شهر لاکاش^۸ است که در حدود سه هزار سال قبل از میلاد با عیلام جنگیده و بر آن شهر غلبه نموده است.

بنا بگفته بعضی از مورخان، جنگ بین سومر و عیلام، نوعی جنگ تدافعی بوده است چه

گاهی عیلام بسومر حمله کرده و گاهی سومر در مقام دفاع برآمده است .
پس از سومر نوبت آکد میرسد. سارگن مؤسس سلسله آکد چون خواست بمملکت توسعه
دهد با عیلام جنگ کرد ولیکن معلوم نیست که عیلام در این زمان جزء آکد گردیده باشد. عیلام در
این زمان با جی باکد میداده است.

پس از سارگن، مانش توسو^۹ پادشاه آکد حکمفرمای شوش گردید. در شوش، مجسمه‌ای
از او و قباله‌ای یافته‌اند که حاکی از تسلط اومی باشد^{۱۰}. همچنین در حدود ۲۷۰۰ سال قبل از
میلاد، نارامسین^{۱۱} پادشاه آکد تمام عیلام را فتح نمود.

دمرگان، در شوش است^{۱۲} یافته است که فتوحات این شخص را نشان میدهد.
این استل به استل نارامسین معروف است. در همین دوره، یعنی در سال ۲۵۰۰ قبل از میلاد، سومر
رونقی از نو گرفت و شهر لاکاش پایتخت پادشاه بزرگی با اسم گودا^{۱۳} گردید. در این دوره
نیز عیلام جزو حکومت سومر شد. بدین جهت مدت مدیدی تمدن عیلام با همسایگانیش سومر
آکد مخلوط شد و تقریباً یکی بود. در این وقت باز سومر از نو روی کار آمده بود و اور^{۱۴}
رونقی از نو گرفت و زبان سومری معمول گردید.

دو نفر از پادشاهان این سلسله دونگی^{۱۵} و کی‌میل‌سین^{۱۶} فتوحاتی در اطراف کرده
عیلام و اولویی را تسخیر نمودند و مدتها سومریها بر عیلامیها حکومت کردند^{۱۷}. دونگی
معبدی در شوش برای رب‌النوع عیلامیها، شوشی‌ناک، ساخته است. طرز رفتار سومریها در
عیلام سبب نارضامی مردم عیلام و شورش جدی بر ضد سومریان شد و روز بروز نائره شورش
قوی‌تر گردید تا اینکه در سال ۲۲۸۰ قبل از میلاد، کدورناخونتا^{۱۸} شهر (اور) را گرفته و
غارت کرد و مجسمه رب‌النوع شهر را بعیلام برد^{۱۹}.

مابین این شاهزادگان، میتوان اسم گولک‌کی‌ریاس^{۲۱} و اتاپاک‌شو^{۲۲} را ذکر کرد که برای
عیلام زحمت بسیار کشیدند و خود را شبان شوش میدانستند.

پس از مدتی، بازشوش نتوانست از سر مردمان مجاور و قتل و غارت اجانب محفوظ بماند.
در سال ۲۱۰۰ قبل از میلاد، حمورابی پادشاه بزرگ و ششمین پادشاه این سلسله (۲۱۳۸-۲۰۸۰
قبل از میلاد) بشوش حمله کرد و مدتی مدید در مملکت عیلام حکمروائی داشت. در این مدت
هیچکس نتوانست طوق رقیب و اطاعت در گردن این مردمان اندازد مگر آسوربانیبال.

مدون قوانین حمورابی را در حفریات شوش یافته‌اند که روی سنگ سختی حکاکی شده
است. این قدیمترین مدونی است که تا حال بدست آمده و امروز در موزه لوور پاریس جای
دارد. این مدون مذهبی نبوده بلکه اجتماعی و راجع است بآبیاری - کشتی‌رانی - خرید و غلام و
کنیز - تکلیف آنها نسبت بموالی - مجازاتها - ازدواج - حقوق - میراث و غیر آنها^{۲۳}.
در این تاریخ میتوان از قوم جدیدی اسم برد که بعیلام حمله نمودند و کمی بعد آنرا بتصرف
خود در آوردند. این مردمان کاسیت نام داشتند و چنانکه معروف است مردمانی بودند که در

کوههای زاگرس نزدیک کرمانشاهان امروزی تا عیلام میزیسته‌اند و بعضی تصور میکنند که این قوم مردمان آریائی بوده‌اند.^{۲۴}

معروفترین آثار آنها مجسمه برنزی ملکه ناپیراسو^{۲۵} است که در موزه لوور می‌باشد. این مردمان در شوش سلطنت کرده‌اند و در آنجا نیز قبایله‌ای از این پادشاهان بدست آمده‌است. دیگر از پادشاهانیکه در عیلام و شوش سلطنت کرده‌اند عبارتند از:

۱- ملی‌شی پاك^{۲۶} . ۲- ماردوك آپال ایدن^{۲۷} که بابل را غارت کرد و استل نارام‌سین را بشوش برد^{۲۸} . ۳- شین خاکین سوشیناک^{۲۹} که پاشادهی سائس و مسدبری بزرگ بود و بناهای زیاد کرد. از مختصات کارهای او، که مورد قدرشناسی علمای آثار باستانی قرار گرفته و هیئت علمی فرانسویان مخصوصاً در پیشرفت‌های خود، در شوش، مرهون زحمات این پادشاه می‌باشند و تاریخ نیز سهم خود او را می‌ستایند، این است که وی هر بنائی را که تعمیر می‌کرده می‌نوشته این بنا را کی ساخته بود و چه کتیبه‌ای داشته و عین آن کتیبه را که بزبان سامی بوده می‌نویساده و ترجمه آنرا نیز بدان علاوه می‌کرده است. این نوع مراقبت فوق‌العاده پادشاه مزبور در حفظ آثار قدیمه، بخواندن زبانهای قدیم عیلامی از ادوار مختلف کومک بزرگ نموده‌است زیرا ما بین کتیبه‌های قدیم و کتیبه‌های این پادشاه ادواری گذشته که لا اقل دوهزار سال مدت آن است. بدین سبب با مساعدتهای این پادشاه، تاریخ عیلام از يك عده سلاطین و شاهزادگان که هیچ مأخذ و تاریخ جدیدی تا حال در این خصوص کشف نشده بود کامل و پربها شد.

پس از این واقعه، دوره حکومت و اقتدار آشوریها میرسد. آشوریها مدتی مدید شوش را در تحت اقتدار خود داشتند. گاهی عیلام آزادی داده و زمانی او را مطیع و منقاد می‌مودند تا هنگامیکه آشوربانیبال بعیلام دست یافته شوش را با خاک یکسان نمود. نمی‌توان در این مختصر از گزارش مفصل آشوریها در عیلام گفتگو داشت، چه مجال این گفتگو نیست. در سال ۶۴۵ قبل از میلاد. آشوربانیبال بعیلام لشکر کشید و وارد شوش شد. خزانه پادشاه عیلام را (طلا و نقره - مجسمه‌ها - اشیاء نفیس و قیمتی و هر چه بود) به نینوا نقل کرد و آنچه هم از مردوزن بود کشت. آشوریها بکشتار هم قناعت نکردند و استخوانهای پادشاهان و اشخاص نامی عیلام را از قبور بیرون آوردند و به نینوا فرستادند. سی و چهار مجسمه پادشاهان عیلام که از طلا و نقره و مرمر ساخته شده بود جزو غنائم آسوری گردید. رفتار آشوریها در عیلام طوری بود که یکی از متأخرین از کثرت کشتار و غایت خرابی، عیلام را بقبرستانی تشبیه کرده است.^{۳۰} این است ترجمه کتیبه آسور بانیبال راجع بفتوحات او در عیلام:

«خاک شهر شوشان و شهر ماداگتو و شهرهای دیگر را تماماً بمملکت آسور کشیدم و در مدت یکماه و یکروز مملکت عیلام را در تمامی عرض آن جاروب کردم. من این مملکت را از عبور چشم و گوسفند و نیز از آواز موسیقی محروم نمودم و بو حوش و مار و حیوانات کوپروغزال اجازه دادم آنرا اشغال کنند» .

این ترجمه يك صحنه از بربریت محض و وحشیت مطلق را نشان میدهد. اهالی آنجا را یا بغلامی بردند و یا از دم شمشیر گذراندند. نه حیوان ماند نه انسان.

پس از يكصدسال، کوروش کبیر شاهنشاه هخامنشی شوش را تسخیر کرد. وی قبل از تسخیر شوش خطابه‌ای خطاب بارتش ایراد نمود. متن فرمان کوروش کبیر شاهنشاه هخامنشی مبنی بر اعطای آزادی ب مردم، پس از فتح بابل بسال ۵۳۹ پیش از میلاد، روی استرانه گل پخته بخط میخی بابلی است که بسال ۱۸۷۹ میلادی در کاوشهای باستانشناسی بابل بدست آمده و اکنون در موزه بریتانیاست. کوروش کبیر گوید:

«منم کوروش، شاه شاهان، شاه بزرگ، شاه نیرومند، شاه بابل، شاه سرزمین اکد، شاه چهار گوشه جهان، پسر کمبوجیه، شاه بزرگ، شاه انشان، نواده کوروش، شاه بزرگ، شاه انشان، از تخمه چتیس پیش، شاه بزرگ، شاه انشان، از دودمان سلطنتی جاویدان که «بعل و نبو» فرمانروائی آنرا گرامی میدارند و سلطنت آنانرا بجان و دل خواستارند.

هنگامیکه من بآرامی بیابیل درآمدم، با سرور و شادمانی. کاخ شاهی را جای فرمانروائی قرار دادم، مردوک خدای بزرگ، مردم گشاده دل بابل را بر آن داشت تا مرا ستایش کنند. من هر روز بستایش او همت گماشتم. سپاه بیشمار من بی مزاحمت در میان شهر بابل حرکت کرد. من بهیچکس اجازه ندادم که سرزمین سومر و اکد را دچار هراس کند. من نیازمندیهای بابل و همه پرستشگاههای آنرا در نظر گرفتم و در بهبود وضعشان کوشیدم الخ.....»

اگرچه کوروش بزرگ و پسرش کمبوجیه ایران را فتح نمودند و تمام مملکت خوزستان را جزء قلمرو حکومت خود در آوردند ولی بناهای شوش در زمان داریوش بزرگ شروع شده است. شاهنشاهی هخامنشی، در شوش زندگی جدیدی ایجاد و حیات ملی و اجتماعی نوی را پایه نهاده است. سرزمینی که سالهای متمادی در تحت نفوذ سرکشان و سرکردگان و رقبا همسایه دمی آسودگی نداشت، حیات تازه و آرامش بخود گرفت و مهد تمدن جدیدی شد و قصوری در آن بنیاد گردید. این سرزمین پس از مدت‌ها اغتشاش و ناامنی که هر ساعتی در دست قهرمانی و هر زمانی از دستی بدست دیگری میافتاد، پس از نقل و انتقال آن بشاهنشاهی هخامنشی، مردمانش در بستر امن و آسایش غنودند. با مرداریوش بزرگ، در شوش قصور عالی برپا شد که اکنون سنگهای آن یکی پس از دیگری از زیر خاک بیرون میآید. پس از حمله اسکندر مقدونی، شوش و مملکت عیلام بدست پارتیها افتاد (۲۲۶ ق - م تا ۱۳۹ میلادی). پس از آن ساسانیان در شوش حکمفرما شدند (۲۲۶ ق - م تا ۶۳۶ میلادی). بعد از ساسانیان، کم کم آفتاب جلال شوش منخسف شد و ستاره اقبالش رو بتاریکی رفت. پس از حمله عرب، در قرن چهارم و پنجم، شوش مانند چراغ بی روغنی خاموش شد و ب صحرای وسیعی، معروف بصحرای آهو، تبدیل گردید (بعلت زیادی آهو) و جز توده‌های خاک و امامزاده‌ای که امروز بنام دانیال پیغمبر معروف است چیزی دیگر در آن مکان دیده نمیشد.

اکنون شوش، همگام و همپایه سایر شهرهای ایران، حیات تازه‌ای یافته و زیبایی گذشته

خود را از سر گرفته است. تمام وسائل تمدن از قبیل آب لوله - برق - تلفن - مؤسسات فرهنگی و بالاخص موزه ای مجهز که از حفاریهای شوش پیدا شده در آنجا فراهم آمده و مجاورت کشت مرکز نیشکر ایران رونق جان بخشی بدان بخشیده است.

حفریات صدساله شوش و اطراف آن علما را موفق ساخت که از درجه تعالی و مدنیت شوش اطلاعات زیادی بدست آورند و طبق مدارك و اسناد بدست آمده، ارتباط تمدن قدیم و مدنیت معاصر را ثابت کنند.

- ۱- در مآخذ کلدانه و عیلام، جهت تعیین این مملکت سه اسم نام برده شده است.
- الف) عیلام که ناحیه کوهستانی و نام عمومی این مملکت بود.
- ب) شوش یا شوشن که پایتخت این مملکت اطلاق میشد.
- ج) انزان یا آ نشان که پایتخت ناحیه شمالی بود. پارسها این مملکت را هوج یا خووج می نامیدند یعنی مملکت خوژها یا هوزها و این همان خوزستان است.
- ایالت خوزستان در زمان هخامنشی **اوراجا** نامیده میشد و این اسم به اهواز خیلی نزدیک است.
- ۲- **Quatermaire** - ۳ **Mr. Le Dr. Conteneau**
- ۴- رجوع شود به کتاب **Mr. Maurice Pezare**
- ۵- **Protoelamite** یا **Transition** - ۶ **Agglutinante**
- ۷- **Ennatum** - ۸ **Lagash**
- ۹- **Manishtousou** - ۱۰ رجوع شود به کاتالک موزه لوور پاریس
- ۱۱- **Naramsin** - ۱۲ **Stel**
- ۱۳- **Goudea** - ۱۴ **Ur**
- ۱۵- **Dongui** - ۱۶ **Chimilsin**
- ۱۷- از لوحهائی که بدست آمده این امر مسلم است، خصوصاً بمأموران سومری در عیلام دستور داده شده بود که از جهت عمده برای ساختن معابد کومک کنند چه دونگی بساختن معبد علاقه بسیار داشت.
- ۱۸- **Schnchnak** - ۱۹ **Koudur Nakhonthé**
- ۲۰- وقتی که اسوربانیپال عیلام را غارت کرد این مجسمه را که در سال ۱۶۲۵ قبل از میلاد از آنجا آورده بودند بشهر مزبور مسترد داشت.
- ۲۱- **Kook-Kir-Piace** - ۲۲ **Atapakschou**
- ۲۳- مدون حمورابی بحثی مفصل دارد که در اینجا مجال سخن نیست. در آن زمان این مدون از جانب قوانین بوده است. علمای معاصر معتقدند که تاریخ تکرار میشود. این مدون نشان دهنده همین منظور و مطلوب است.
- ۲۴- در قدیم این قوم در لرستان زندگی میکردند و آثار بسیاری از آنان در قبورشان دیده میشود که در جای خود بحث خواهد شد.
- ۲۵- **Napireason** - ۲۶ **Melichipak**
- ۲۷- **Mardukapaliden** - ۲۸ این سند تاریخی راسه هزار سال بعد
- ۲۹- **Shulkhakin Shushinak** - ۳۰ هیئت علمی فرانسویان در شوش یافتند.
- ۳۰- حزقیل یکی از پیامبران بنی اسرائیل در باب عیلام گفته است، «این است عیلام و تمام جمعیت آن. تمام آنها کشته شدند. تمام آنان از دم شمشیر گذشتند».